

ماده ۱

هدف از جلوگیری از خطای تفکر در صورت بندی استدلال منطقی

علامه استدلال (ماده) - مقدمات استدلال

مواد (مقدمات) به اعتبار جلوگیری از خطای تفکر آنها بر اساس استوار ۸ قسمت اند. ۱- یقینات ۲- مشهورات ۳- مقبولات ۴- مشهورات ۵- مستحبات ۶- وهیات ۷- محتملات ۸- خبیات (این هفت)

۱- یقینات: علمی علوم به عبارتی ختم می شود. اگر علوم به عبارتی ختم نشود تسلسل پیش می آید.

نظری

نیاز به اثبات دارند (ماده یا مواد)

مقدمات استدلال

نیاز به اثبات ندارند (مادی یا مبداء) - بدیهی

۱- یقینات

۲- مظنونات

۳- مشهورات

۴- مقبولات

۵- مشهورات

۶- مستحبات

۷- وهیات

۸- محتملات

(مثلاً: کل بزرگتر از جزء خود است)

۱- اولیات - خود تقصیه برای تصدیق کافی است (تقریباً همیشه این است)

۲- مشاهدات (محسوسات): از حسی بیرونی یا درونی استوار (تقریباً همیشه این است)

۳- مجربیات

۴- حدسیات

۵- متواترات

۶- فطریات

یقینات (اصول یقینات)

حدسیات

متواترات

فطریات (اصول یقینات بر اساس استقراء)

اولیات - مشهورات - مجربیات
فطریات - حدسیات - متواترات

به معنی اعم - مظنونات (از ۵۱ تا ۹۹ الی ۱۰۰)

یقین

علت تلبک مطابقت

۱- مطابق با واقع باشد

۲- اثبات داشته باشد (از روی تقلید نباشد)

۳- از روی علت باشد

به معنی اخص - ویژگی ها

۱- تصدیق جازم: مطابق با واقع باشد یا نباشد / بر اساس تحقیق و اثبات باشد یا تقلیدی و بی اثبات

۲- تصدیق جازم مطابق با واقع ثابت: تصدیقی که قطعی و مطابق واقع باشد

(تصدیق به معنی اعم)

محانی اصطلاحی یقین

یقینیات نظری

بدیهی

۱- تصور خود اجزاء مقسمه برای تحقیق کافی است = اولیات

اولیات خفی : اجزاء آن خفی است
روشن (جلی)

حسبیت

۲- تصور خود اجزاء برای تصدیق کافی نیست

- ۱- مشاهدات (حواس) باطنی
- ۲- محرمات
- ۳- حدسیات
- ۴- متواترات
- ۵- قطریات

(حوائج باطنی و حوائج بیانی)

* در علم حضوری اشتباه وجود ندارد ولی در **حسبیت** (حواس ظاهری) اشتباه وجود دارد

علاوه بر تصور طریقین نسبت به آن دو

۲- محرمات : مشاهده + تکرار مشاهده + قیاس خفی
مثلاً : نفلت بر اساس حرارت متوسطی شوند

استثنائی
اقتراعی

تفاوت مشاهدات با محرمات

- ۱- مشاهدات همیشه جزئی
- ۲- مشاهدات تکرار نمی خواهد
- موضوع محرمات همیشه کلی
- محرمات می خواهد

* در محرمات امکان خطا وجود دارد به دلیل اینکه

- ۱- غیر علت را علت بگیریم
- ۲- عرض را به جای ذاتی بگیریم
- ۳- علت ناقصه را به جای علت تامه بگیریم

* محرمات و استقرای ناقص همواره حکم یقینی می گیرند

Subject
Date

۲۳۳

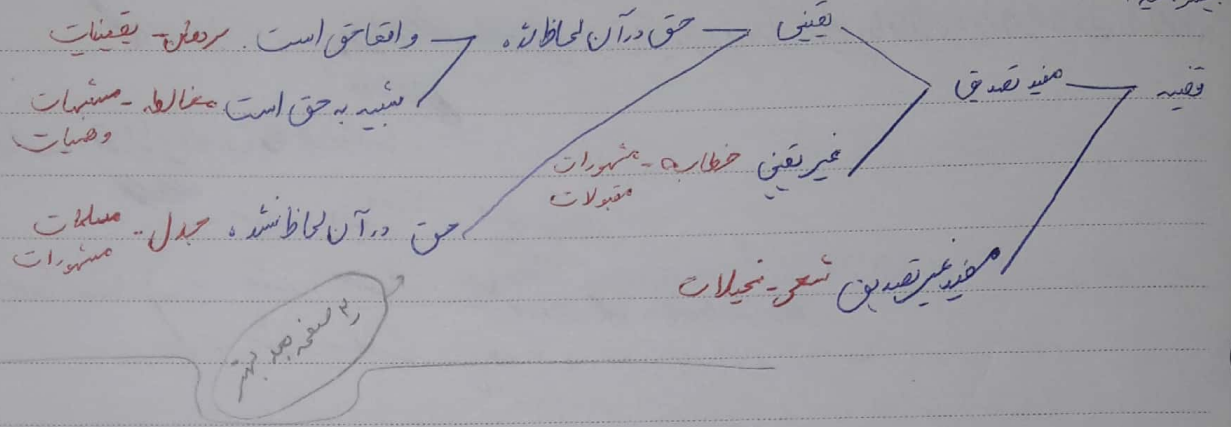
- ۱. مواجهه با معقول
- ۲. شناخت معقول
- ۳. حرکت ۱
- ۴. حرکت ۲
- ۵. حرکت ۳

در فکر و مرحله وجود دارد.

حرکت از معلوم به غیبت معلوم

۳- حدسیات نفس آدمی به وسیله حدس قوی، آن را تصدیق می کند (نقطه مرحله ۵ مراحل فکر را دارد) و ۳ تا را نمی خواهد.

مثلاً: از نزدیک شدن اشقی به ساحل شنیده ند زمین کروی است.



مشهورات به معنی اعم و اخص تکلیف از شهرت ندارد. و اخصی غیر از شهرت دارد و آن اولیات بودن است. مانند: شامل مجال است

تعریف مشهور به معنی اعم: قضایایی که مورد عمل همه یا بیشتر مردم یا مورد قبول بیشتر دانشمندان یک علم است. (یقینات و حکم را نیز شامل می شود)

به معنی اخص: سبب آن رواج بر عقول است و و اخصی غیر از این رواج ندارد.

توجه کامل شود
۳۵۶ به قبل

تعریف مشهور به معنی اخص: باورهایی که عموم مردم به دلیل عواطف و کرامت ردفی و آن را قبول دارند.

تقریبات و هم در امور محسوس صریح است. در امور معقول غلط است.

مشهورات به معنی و واجب القبول، خلیقات، عبادیات (به اعتبار سبب ایجاد کننده آن) آسانی محموده، انفعالیات، استقرانیات (خداوند است، هر نوعی محسوس است، به تنهایی محسوس است)

و همصیات: قضایایی که قوه وهم بر خلاف عقل آنها را صادر می داند.

متواترات: هرگاه قضیه ای با گزارش افراد زیاد

۲- احتمال تبانی آنها بر دروغ

۳- یا اتفاق آنها در ضمن غلط و واقعه

مانند: قرآن، کتاب رسول (زای اسلام در) می باشد.

قطریات: قضایایی که دلیل آنها، صراحتشان است. مانند: عدد ۱، نصف عدد ۲ است.

اصول موضوعیه ← مسلمات
دانش آموز در مقام آموزش، اعتماد به معلم می‌کند (به صورت تلقی و برای حصول در یادگیری)

مصادرات ← پذیرش قضیه ای فقط برای همراه با مخاطب، ولی همراه با تردید و انکار می‌باشد

مشبهات: قضایای کاذب صادق نما

نوع مشبهات
انسان مشرعی خور

مشبهات
شبهه به یقین و بدیهات
شبهه به مشهورات
شبهه به مسلمات

برادرت را با من کن، هر چند ظالم باشی!
خداوند از هر برتری در صفات تراست

(در وسط بحث این را می‌گوید که مراد از بر تو، نور صوملی است)

مفروضات:

قضایایی که ذهن آنها را می‌پذیرد، اما نه با تصدیق ثابت جازم، بلکه همراه نقیض آن به ذهن می‌آید، اما ذهن آن را به نقیضش ترجیح می‌دهد.

* معنی و مراد از ظن در صناعات خمس ← باور غیر جازم

چه صادق و چه کاذب باشد

مسلمات: قضایایی که مورد قبول مخاطب اند و در جریان بحث به منظور ملزم کردن مخاطب به قبول نتیجه استوار می‌شود.

- قضایای مسلم } ۱- مسلم نزد همگان
 - } ۲- مسلم نزد گروهی خاص
 - } ۳- مسلم نزد فردی خاص
- مثل تسلسل ممال است نزد فیلسوفان

* در صناعات خمس هرگاه سخن از مسلمات می‌شود، منظور (اصول موضوعیه) و (مصادرات) نیست.

مقبولات: قضایایی که افراد موثق جامعه آنها را می گیرند و مردم بدون استدلال آنها را می پذیرند.

* کلمات قصار و ضرب المثل ها، از نوع مقبولات اند.

قضایای کلان و عظیم

قضایای کلان شش به قضایای عظیم
بجای مقبولات

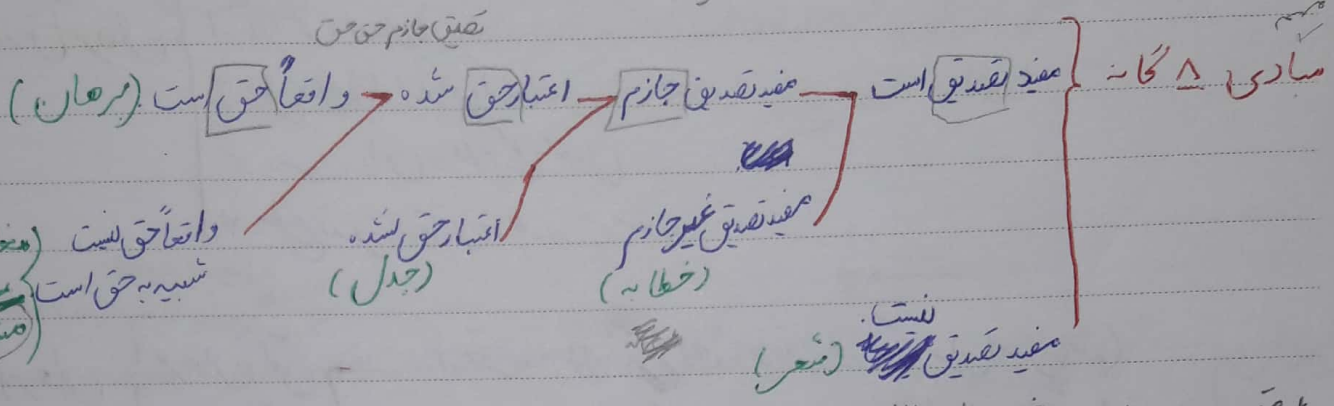
مخیلات: قضایایی که قوه خیال را تریک کرده و موجب انبساط و انقباض روحی می شود.

مانند خورشید قابل نیست، وگرنه می گفتم جرقه ای است از نگاه تو!

حجت افاده حق مطرح می شود.
(اعتبار حق شده)

مبادی ۵ گانه

شماره که در روش حقوقی یاد می دهیم، فقط جهت برهان و معالجه یاد دارند



مخالفه
تشیبیه به حق است
تشیبیه

* مقسم در صناعات خمس، استدلال است

برهان: استدلال معتبری که فقط از مقدمه یا مقدمات یقینی به معنای اخص تشکیل و ضرورتاً نتیجه یقینی می دهد.

تعریف حاج آقا: قیاسی که ماداً تا $\frac{1}{2}$ و صوراً تا یقینی باشد

۱- از قیاس استفاده نماید

برهان از حیث صورت

۲- از استقراء و تمثیل استفاده نماید. (علم استقراء تام)

۳- شرایط مندرج در قیاس رعایت شود.

همه ترین فایده برهان به رسیدن به نتیجه یقینی و کشف حقیقت است.
برهان از حیث ماده - یقین به معنی اخص

* در برهان، از قیاس و استقراء تاکی توانم استفاده کرد. اما از تمثیل و استقراء ناقص نمی توان استفاده کرد.

* استدلال مباشر هنگامی که از مقدمات یقینی تشکیل شده باشد، نتیجه یقینی می دهد و از این روی تواند نقش برهان را افا کند

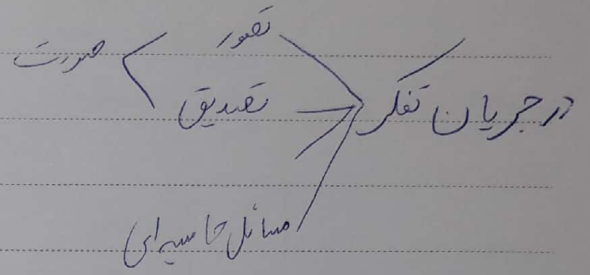
برهان لشمی ← لشمی مطلق: حدود وسط علت ثبوت اگر در اصغر و غیر اصغر باشد. برای هندسه ساده

برهان لشمی غیر مطلق: حدود وسط فقط علت ثبوت اگر در اصغر باشد. برای هندسه ساده
این بهایباید حل بر از سوغت ندارد هر هویبایی که اینچنین باشد سقوط خواهد کرد.
حد وسط

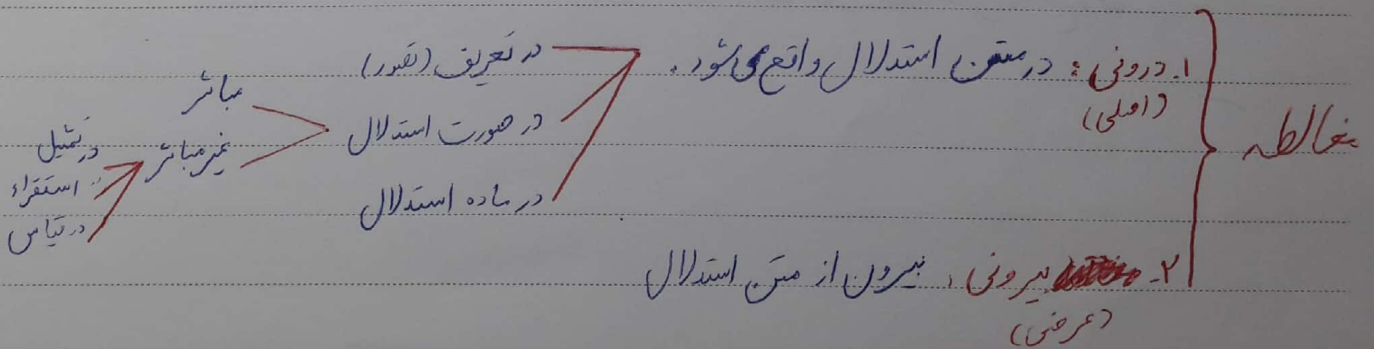
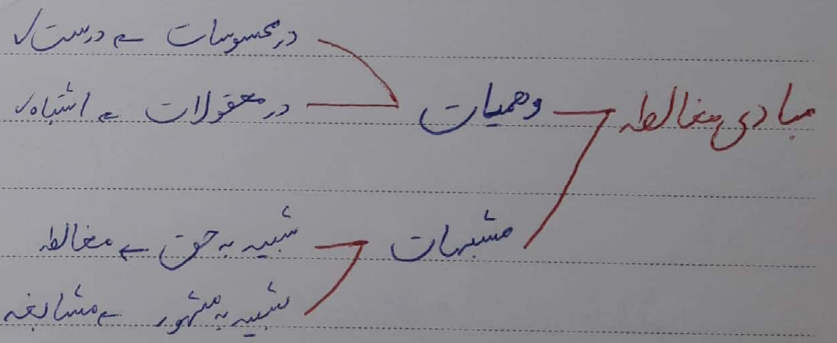
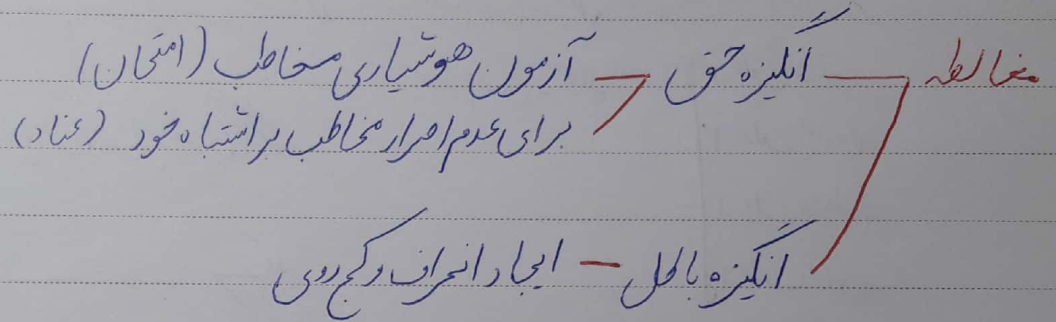
برهان لشمی: حدود وسط علت ثبوت واسطه در اثبات و ثبوت
← باقیاس استثنائی
← مستثنی علت ثبوت نتیجه باشد
← انفصالی: یا آفتاب موجود است یا اگر ما محدود است
لکن آفتاب موجود است پس اگر ما محدود نیست.
← قیاس اقترابی

برهان لشمی: حدود وسط فقط واسطه در اثبات
← باقیاس استثنائی
← مستثنی واسطه در اثبات نتیجه باشد
← انفصالی: یا آفتاب برآمده یا روز محدود است، لکن روز محدود است؛ پس آفتاب برآمده نیست.
← قیاس اقترابی
← دلیل

برهان مطلق: انفصالی اگر این تب و تب فوبه باشد قیاس اقترابی است لکن این تب و تب فوبه است؛ پس این تب و تب فوبه است.
← انفصالی یا این عدد زوج است یا فرد، لکن زوج نیست؛ پس فرد است.



مغالطه - تعصبات تغلیط غیر



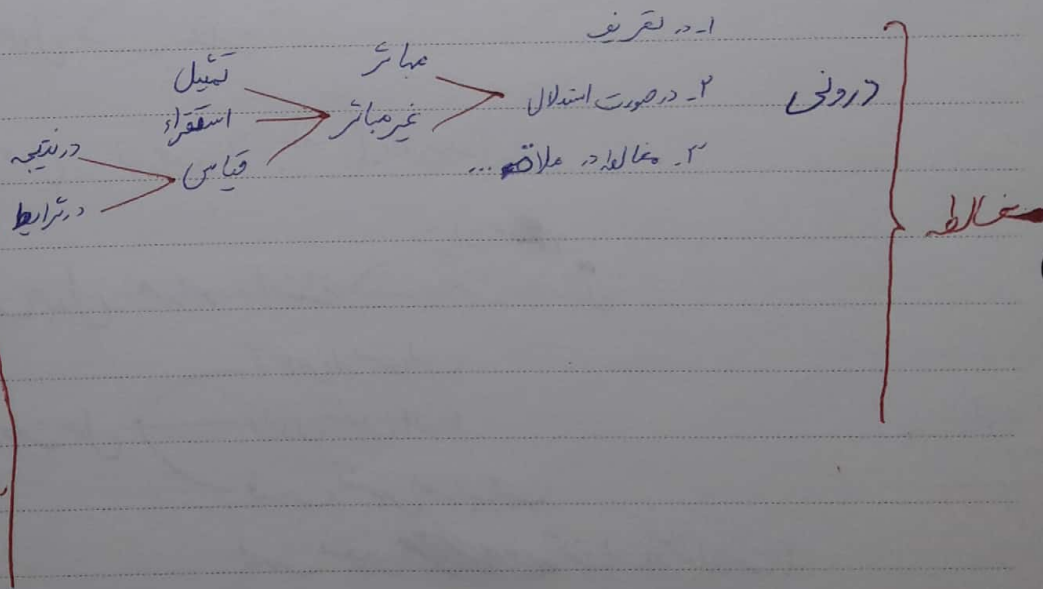


مغالطه درونی

مغالطه در تعریف: نبود شرایط ضمنی تعریف

مثال ها در زیر ارائه شده است.

- خطاها در تعریف:
- ۱- تعریف دوری
 - ۲- تعریف به اخص
 - ۳- تعریف به مبهم
 - ۴- تعریف به اسم
 - ۵- تعریف به مبالغه
 - ۶- تعریف به مترادف
 - ۷- این از آن، پس این همان
 - ۸- خطای (کنه و وجه)
 - ۹- هستی به جای حسی



جوهر لفظ

هست لفظ

ترکیب

ترکیب متصل

تفصیل مرکب

۱- مغالطه استدلال با هر دو

۲- صد عام و صواب

۳- صد خاص و نادر

۴- صد عام و نادر

برای رسیدن به آن هدف

انگیزه = فعلی که باعث می شود

انگیزه = هدف از انجام کار

مغالله‌هایی که از کذب مقدمه ناشی شده باشند (مغالله در ماده قیاس) -

مهم ترین مغالله‌ها در ماده قیاس :

۱) سنت برای اعمقاری از سابق و به صورت سنت ~~تجدید~~ = دلیل بردستی

۲) سنت گریزی (اسلام ۱۴ سال پیش)

۳) عدم سابقه :

۴) تجدید : هر چیز جدیدی در دست (حرف من مطابق جدیدترین نظریه‌ها)

۵) توسل به مرجع کاذب (سال آینده بارندگی زیاد است، یکی از سیاستمداران گفته)

۶) قیاس مقنن مردود (فرد خان است چون با دشمن مذاکره کرده) کبر اخذ کرده هر کس با دشمن مذاکره کند، خان است. (کبریا دلیل کذب بودی هنوز زنده است)

۷) طرد شقوق دیگر (شوق ستورم گفته نشده) این شخص یادش است یا دوست؟ دوست یا دشمن؟ شوق ستورم، بی تفاوت

۸) تریب (این مسئله بهترین دستگه است زیرا اتماء قملوات این از بهترین است) اگر اجزاء به کل آن نسبت داده شود

۹) تقسیم (او در یک مؤسسه مهم کاری کرده پس باید آدم مهمی باشد) حکم کل به تک افراد نسبت داده شده. * همیشه مغالله نیست (همه قطعات این دستگاه نفوذی و این دستگاه نفوذی)

۱۰) توسل به اکثریت (این مقاله معتبر است، چون به چندین زبان ترجمه شده) اعتماد افراد زیاد

۱۱) علت شرین امر مقدم (هر وقت در این شهر مسافرت داریم، با خشمیم و پس نباید مسافرت کنیم)

۱۲) پهلووان به بنیبه : مطلب اصلی را نمی‌تواند رد کند و سپس یک تصویر صحنه از آن می‌سازد و آن تصویر را از روی می‌زند. (حجاب یعنی زندان متحرک برای زن، به جای مبارزه با پهلووان اصلی، پهلووان در دین می‌سازد و آن را به زمین می‌کوبد)

۱۳) کامل تا میسر (من در اشیایات شرکت نمی‌کنم، زیرا هیچ کدام صلاحیت X) به نرسیدای مطلوب می‌اندیشیم که گفتندی

۱۴) ارزیابی یک طرفه : هرگز از دو اج کل، از برای تمیل منق های آن را ناداری : محدود شدن آوازی و هر چند روز افزون در... (مقط جنبه مثبت یا نقط جنبه منفی را می‌گیرد)

۱۵) پیش داوری : شخص پیش فرضی را در ذهن دارد و نمی‌خواهد آن را برآورد. حتی با دلیل

همه بزرگان برای منافع شخصی کاری کنند، اگر ائمان کار کنند، یک کاسه ای زیر نیم کاسه

مخالفة بیرونی : اموری خارج از متن استدلال است که با ایجاد تضاد ذهنی موجب ایجاد ادیان

نادرست می شود.

(۱) بستن راه استدلال (مخالفة از راه سنگ) ، من از چهره می نهم چه جور آدمی هست.

(۲) هر چه مدرسه ای می داند. ^{و ادعای} که بیهوش نیست رای خواهد بدین جلوه دهد و آن درخواست دلیل نلند.

منتهی می شود.

(۳) فضل فروشی : بالکلمات دشواره ادعای خود را بیان می کند. (حب الزان مفلور هر انسانی و از جبلت اوست و به حیانه الذات که

(۴) توسل به جبل : (شاکنون اعتراضی به این مقاله ^{دیده نشده} پس مخالفند) بی اطلاعی خود را دلیل برمدی را

(۵) تکرار برای چندمین بار می گویم

(۶) استفاده از کلمات ارزشی : من در اعتقاد اتم ثابت و استوارم و شما بی خودی لجاجت و تعصب ^{کنید}

(۷) عوام فریبی : (همه ستاره های سینما کوکا کولا را ^{را} نوشا به خودی دانند) ^{توسل به احساسات ، با گروهی همراه شوند که احساس قدرت و امنیت می کنند}

(۸) تمجید (تله گوازی) : از شخص بزرگ و نهیفته ^{آن} بعبه است که با حوض مخالفت کنند.

(۹) تنقیص (مسموم کردن جاه) : (آهوش مختلف دختران و پسران امری پسندیده است) زیرا آنها کسانی که در مسائل جنسی دچار بیماری و عقده هستند با آن مخالفند (

شخص با نسبت دادن نقایع و عیبها یا فواید و مناقب را در موضع انفعالی قرار و باعث پذیرش می شود.

(۱۰) تطبیع : با دادن هدایا و امتیازات (بارانی به مخاطب حزب ما، دست زدها ۵۰٪ افزایش ^{کند})

(۱۱) تهدید : ~~.....~~ (عذر آره با آمریکا حزب ، ناوگان ها از خلیج فارس برونند.)

(۱۲) توسل به اقتدار : کسی به طور مستقیم تهدید نمی شود اما با فراهم کردن زمینه پذیرش اقتدار ، نگرش فرد تغییر می کند.

(۱۳) دل سوختن : (ایجاد ترحم و دلسوزی) هر چند این کار گزرد است ولی هوس بسیار او را بنور می داند و فرزندانش دچار کمبود ^{شخص به مطلبی که آرزو دارد ، بار دارد نه به دلیل آنکه مقدمات آن فراهم باشد}

(۱۴) آرزو اندیسی : (دوست ما به زود سلامتی خود را به دست خواهد آورد ، زیرا زندگی با اولوفات شیرین را برای ما ایجاد کرد) ^{شخص به مطلبی که آرزو دارد ، بار دارد نه به دلیل آنکه مقدمات آن فراهم باشد}

(۱۵) کلب دلیل از دیگران : (مهم ترین مشکلها ، فقر فرهنگی است ؛ در مخالفت دلیل خود را بیان کنید) ^{شخص مطلب مخاطب را بی اهمیت جلوه می دهد.}

(۱۶) اینکه چیزی نیست : (طرح شما مطلب تازه ای نبود ، زیرا مسئله قابل توجهی را مطرح نکرد)

(۱۷) حرف شما مبهم است.

(۱۸) اینکه مخالفت است

(۱۹) تکذیب

(۲۰) یار ازیت

(۲۱) توهمین و استسزا

(۲۲) منشاء

(۲۳) انحراف رشتن : طرح موضوع جدید (از این موضوع به آن موضوعها برود)

(۲۴) شوخی با ربط

(۲۵) توسل به معنای لغوی (معنای مشتق را نادیده بگیرد)

(۲۶) توهم همین طور

(۲۷) البته ... اما (توجه) یا این مطلب را انهم

(۲۸) تبخیف طلبی (یک بام و دو هوا) بامن جودی رفتار غلطی که با بقیه رفتاری ننی

(۲۹) بزرگ نایب او نویسنده بکشد کتاب و مقاله است. ^{باید که ب} مقاله کریمک ۹۹

(۳۰) کوچک نایب زیرا همیشه مکتوبات وی به صورت تک نگاره های پراکنده است

اشاع

خطابه : صناعتی علمی که نتیجه آن نقطه افتخار بود مردم است به مطلب

صبا دی خطابه ، مشروبات ، مقدمات ، مطنونات

اجزای خطابه : محمود : قضا یا بی که به عنوان مقدمه و مبدأ که به موجب رتبه اجتماعی که
اعوان ، ائمه ، اعمال و هیئت های بیرون محمود که برای افتخار مؤثر

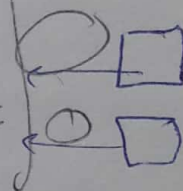
* اموری خارج از اجزای خطابه اما می کنند ؟ توابع
تخصیصات
تزیینات
جزئی که در پیروایه الفاظ (مشرفان)
نظم و ترتیب گفتار
اختیار و وجهه ، خطیب اموری به نیایی که

نشان دهنده حال تأثیر گذار در شنوندگان

صورت تألیف خطابه

(اصطلاحات)

- ۱- تثبیت : گفتار که صحت واقع می شود (چه تالیف چه تخیل)
- ۲- ضمیر : همان تثبیت است که از قیاسی که
- ۳- تفکیک : همان ضمیر است که اعتبار و در وسط
- ۴- اعتبار : همان تثبیت است که از تخیل که
- ۵- پرهان : هر اعتدالی که به رعیت مقصود در انتیجه که
- ۶- موضوع : هر مقدمه ای که می تواند چیزی از تثبیت که



ملفحات ، اعتبار ، نظر بر آن
مانند : تکرار ، است ، شکایت ، اعتذار

هر قانونی که از موضوع خارج شود به نوع

۱۔ خطابہ سے مفید تصدیق بخیر جازم
جیل سے جازم

۲۔ مبادی اصلی خطابہ سے مشہورات، مقیدلات، مقنونوات
" جیل سے مشہورات، مہلات

۳۔ در خطابہ سے از مشہورات نظامی ✓ جیل سے ✓

۴۔ غایت خطابہ سے پروزی + انواع
" جیل سے پروزی - انواع

۵۔ مطالبہ ^{در آنا} مطالبہ کی دستاویز بدقتن مراد سے مخصوص خطابہ ✓

آداب خطابہ:

۱۔ مدیریت زمان

۲۔ اعتقاد خطیب بہ لفظہ مان

۳۔ وجہ مقبول اجتماعی

۴۔ خصوصیات فرنگی، اجتماعی، آداب و رسوم۔ مخالف را

۵۔ تامل و انقار، خلاصت و

(عدالت زیباست)

مشهورات حقیقی: قضایایی که شریکانشان بعد از دقت و تأمل ازین مابقی رود.

مشهورات

۱- مشهورات ظاهری: در نظر اول مشهور است اما با دقت و تأمل شریکانشان ازین مابقی رود. (برادری را با برابری نمی توانیم بگویم)

۲- شبیه به مشهورات: قضایایی که شریکانشان به نسبت یک عارض غیر لازم پدید آمده و با ازین روشن می آید، شریک ازین مابقی رود.

مسائل جدول: هر قضیه ای که مسائل آن را وضع کند

مقدمه جدول: جواب جیب که مسائل آن را جزئی از مباحث خود قرار می دهد

۱- مشهورات: زیرا اصول از مشهورات آنها را در معرض تنگ و تنگ قرار می دهد و این باعث جرأت جیب بر آنکه مشهور می شود.
۲- مسائل از ماهیت اشیا و یا عدت آنها سوال نگردد: زیرا این مسائل برای یادگیری ^{جدول} مناسب است.

قدرت تشخیص شرکتات بین او فریادی دارد!

- ۱- حدود دورم اشیا و احوال
- ۲- در مراتب دلان شرکت یک قضیه به قضیه دیگر است
- ۳- در جایی که فرد خفیه مدعی تفاوت میان دوش و دیگر می شود تا تواند با مطالبه وجه تفاوت و او را به جانی نگردد.

مطالب جدول: مسائل فلسفی، اجتماعی، دینی، علمی، سیاسی، ادبی و ...

۱- برین قضایا هرگز توسط جدول بدست نمی آید: ۱- قضایای مشهورات حقیقی و مطلق
۲- قضایای ریاضی

ادوات جدول

۱- تشخیص متشابهات

۲- تشخیص شرکتات (خود ذاتی یا عرضی)

۳- آگاهی از مشهورات سیاسی، اجتماعی و ... (مشهورات مربوط به موضوع)

۴- تشخیص الفاظ مترادف، متضاد، متوازی و ...

آداب جدول

۱- قبل از بیان سؤال، موضوع آن را بگفته.

۲- چاره به جیب تسلیم

۳- اگر لازم شد، ملاحظه را عرضاً بگویند.

لوح عملیاتی آموزش مسائل

۱- همان اول برای اهل مطلب

۲- غیر مستقیم به دست هدف

۳- وانمود به کلاهت های خود کشی

۴- در پایان، با استواری کامل مطالب خود را

۵- در لابه لای کلام خود حرف های صمیم و مشهور (در جیب ربط)

آموزش های جیب

۱- بدان سخن از جیب به مسائل

۲- اگر نشد، مسائل متوقف

۳- اعتراف به قضایای ~~مشهور~~ نقض وضع = X

۴- انکار خودش صریح بیان X

۵- مانت در مشهورات ~~مشهور~~ این اعتراف

آداب مسائل و موجیب

۱- قاطعیت

۲- ندادن فرصت تفکر

۳- تمسخر دشنام X

۴- تواضع

۵- حقیقت (ببین حقیقت در صورت دشمنان)

۶- قطع کردن کلام مقابل

مناقشه به قیود شرط اضافه کردن

اصطلاح: صناعتی که با آن می توان از مقدمات مسلم و مورد قبول طرف مقابل و یا از مقدمات مشهور استفاده کرد

تفاوت جدل و مناظره

هدف اصلی مناظره: کشف واقعیت (تقدیمات ظاهره)
جدل: الزام و اسلطات خصم
* در مناظره اگر معلوم شد که حق هست، طرف مقابل به آن اذعان می کند.

مهم ترین دلایل رشد و توسعه فن مناظره در نتیجه آن روی آوردن به جدل به جای بهانه:

- ۱- دشوار بودن فهم بردگان برای توده مردم
- ۲-
- ۳- بجز استدلال کننده برای آوردن بردگان و عمیر درک صحیح آن
- ۴- درست نبودن سوالاتی که از یک سو و عدم امکان آوردن بردگان بر آن از سوی دیگر

تفاوت جدل و برهان

مقدمات - دو نفر - جدل - استوار است
در مناظره قیاس استهلال مبار

۱- جدل مفید تقدیق جازم بدون اعتبار حق اما برهان هم اعتبار حق شده و هم مطابق واقع
۲- مقدمات جدل و مشهورات و اسلطات از طرف مقابل / مقدمات برهان / مقدمات یقین
۳- جدل قیاس به روشنی متناقض است اما برهان گاهی رزی شود شخص
۴- در جدل استقراء و تمثیل هم به کار می رود، اما برهان فقط قیاس یا استدلال مباشر منتج یقین

اشکال جدل و مغالطه

- ۱- افاده تقدیق جازم ۲- به موضوعی خاص اخصا می پردازند.
- تفاوت جدل و مغالطه:
- ۱- مقدمات جدل، مشهورات و اسلطات یقینات و مقدمات مغالطه، وهمیات و تشبیهات
 - ۲- در جدل به تطابق با حق مغالطه تصدیق با هم مطابق با حق
 - ۳- تکرار جدل - تقدیقات

مقدمات تطابق و کذب

مصطلحات جدل

- ۱- سائل: به میاجم و کسی که با طرح سوالاتی که در طرف مقابل را در هم بریزد
- ۲- مجیب: کسی که حملات میاجم را دفع می کند
- ۳- وضع: مدعیای مجیب (این متن)
- ۴- موضع: قواعد و اصول کلی جدل

وضع مجیب و افعال آن استقراء

(منتهی سخن -)

چرا این موضوع ها خود مشهور نیستند و ثبوت تنها وصف جزئیات و قضایای بیرون آمده از آنهاست؟

- ۱- تصور عام در اذهان اکثر مردم دشوار تر از خاص است
- که حکم عام پیش از حکم خاص در معرض نقض است (چرا؟) زیرا نقض خاص مستلزم نقض عام است اما برعکس نه (نقض عام مستلزم نقض خاص X)

* جدلی نباید به موضعی که تقصیر مشهور را از آن بدست آورده تفریح کند، بلکه باید آن را مخفی کند

ملفوظات

۱- انواع مخالفه در لغت سنتی سے درون و بیرون
آنکار جدید سے گزارہ اور غیر گزارہ اور

۲- اساسی ترین انواع مخالفه؟ چند قسم؟
تقسیم درونی ← مخالفه در تعریف
مخالفه در قدرت استدلال
مخالفه در استدلال غیر مباشر
بیرون

۳- مخالفه در صورت استدلال غیر مباشر بہ چند بخش تقسیم می شود؟
مخالفه در تمثیل
استقرا
مخالفه در قیاس (معمول)

(مخالفه در قیاس نیز بہ اقسام متعدد تقسیم می شود)

۴- انواع مخالفه در تعریف
(مخالفه درونی سے الفاظ)

- ۱- تعریف درونی (مثل انسان گوزمان)
- ۲- تعریف بہ اعمام (دایره بہ شکل کہ محیط آن منحنی است)
- ۳- " اخص (انسان بہ حیوان مقررند)
- ۴- " میانین (تعریف انسان بہ مختصر کردن قیمت)
- ۵- " مفہوم مبہم (تعریف خدا بہ اسطغس فوق اسطغسات)
- ۶- " مترادف (تعریف انسان بہ بشر)
- ۷- (این از آن و پس از آن) (انسان همان میورین مر است) (آن از زعمیه اردون لے انسان مثل میورین مر)
- ۸- خطای کذب و وجه: هویت یک شخص در بعدی از ابعاد آن خلاصہ شود (تاریخ، چیزها جز جدہ نیست)
- ۹- هستی بہ جہاں جسمی (مادہ، واقعیت یعنی است کہ در خارج ذهن لے)

مخالفه در قیاسی شرایط
۱- معادله حد وسط پیدا
۲- استدلال دردی
۳- معادله بہ مطلوب

۴- عمومتر کسب قیاس از دو مقدمہ جدا
۵- عدم رعایت شرایط انتاج قیاس، قرآن و اسطغساتی

انگلیختہ دغلی کہ برای تأمین هدف لے

مخالفه معادله بہ مطلوب د مخالفه کفری خود بند گزارہ معمول را اثبات لے

کہ در نتیجہ از مقدمات جہاد اور

۱- مخالفت تخیل؟ یا شک؟ تشابه قدی نباشد که بتوان نتیجه را تا آنکه برسد مثال؟

۲- برای نتیجه یقین، می توان از استقرا یا ناقص استفاده کرد؟ X

۳- مهم ترین خطایایی که در صورت قیاس واقع می شود:

مغالطه اوریسی
مغالطه تضاد در مقابله
عدم تکرار حد وسط
از دو مقدمه جدا از هم نتیجه گیری

- ۱) عدم تکرار حد وسط
- ۲) عدم تشکیل قیاس از دو مقدمه جدا که هر کدام یک مقدمه باشند
- ۳) عدم رعایت شرایط استخراج قیاس اشرافی و استثنائی
- ۴) مغالطه مضاد در ۵ به مطلوب
- ۵) مغالطه استدلال دوری

۴- چند معنی، تعدد معانی یک لفظ چیست؟
جوهر لفظ
هیئت لفظ
تکلیب آن با الفاظ دیگر

تعدد معنا در جوهر لفظ در کجا است؟ دلالت لفظ بر معانی متعدد به دلیل حروف تشکیل دهنده لفظ باشند.

۵- هیئت و ساختار چیست؟
مغالطه اشتراک هیئت
اعراب و انجاس

* مغالطه ناشی از هیئت خرافی (حرفی) = مغالطه اشتراک نامیده می شود.

۷- منظور از لکن از دلایل تعدد معنا، ترکیب است (چیست؟

یعنی لفظ از لحاظ هیئت و ماده به معانی مختلف دلالت می کند، بلکه با ترکیب با الفاظ دیگر، بر معانی متعدد ✓

۸- انواع مغالطه هایی که از ترکیب به وجود می آید (ترکیب دلیل تعدد معنا):

- ۱) مغالطه مبادات (مبهم بودن مرجع ضمیر) مرجع غیر مشخص ✓
- ۲) مبهم بودن نقش دستوری کلمه ✓
- ۳) ابهام موصول (کلماتی که در جملات با هم آمیخته اند و آموخته هستند) ✓
- ۴) ابهام از نا حیه عدم رعایت علائم جداوندی (عقود لازم نیست اعداد معنی کنند) ✓
- ۵) مبهم بودن معنی در جمله های منفی (من مثل رضا زود باور نیستم) ✓
- ۶) مبهم بودن محذوف (میل دارید یا ما غذا بخورید؟ نه میل ندارم) ✓
- ۷) ترکیب مفصل (در جمله جدا از هم صادق و مفصل ترکیب کاذب) که ما را فریب می دهد و با ما فریب می دهد ✓

علی فقیه است / او فیلسوف بزرگی است / علی فقیه و فیلسوف بزرگی است. (تو هم فقیه بزرگی هستی)

۸ - تفصیل مرکب

اولیٰ جنسی بلند قامت است پس شخص بلند قامت را مرکب

ادامه ۳۳

عمله در حالت ترکیب

تغییر ترکیب کاذب (موضوع با هر یک از اجزای محمول به طور جداگانه) مثل (این حیوان ، یک اسب کوچک است)

اولیٰ جنسی بلند قامت است

اولیٰ جنسی است

اولیٰ بلند قامت است

اگر همان شود دو محمول به موضوع است و اولیٰ بلند قامت است

(دوین و غیره) این حیوان و حیوان نوری است

هر گاه شرایط اخصاصی انجام در هر یک از اشکال چهارگانه قیاس اجزای در محبت شود یا شرایط اخصاصی قیاس استثنائی انتقالی و انفعالی نادیده گرفته شود

۱) مغالطه منفی بودن مغز (در شکل اول و سوم قیاس استثنائی)

۲) مغالطه جزئی بودن مقدمه (در شکل اول و دوم کلی بودن کبر و در شکل چهارم کلی بودن مغز، هنگامی که هر دو مقدمه آن موجبه باشند و در شکل سوم، کلی بودن یکی از دو مقدمه شرط است)

۳) مغالطه عدم احکاف در ایجاب و سلب

۴) مغالطه رفع مقدم

۵) مغالطه وضع مالی

۶) مغالطه استدلال نامربوط

مغالطه استدلال نامربوط بر اساس مقایسه نتیجه با مقدمات به صورت های مختلفی دیده می شود:

۱) مدعا عام، دلیل خاص

۲) مدعا خاص، دلیل عام

۳) مدعا و دلیل مابین

۴) خلط انگیزه و انگیزه (مدعا)

مغالطه مصادر به مطلوب هنگامی رخ می دهد که استدلال کننده در صدور اثبات گزاره ای مجهول باشد و برای این مقصود خود آن گزاره را در یکی از مقدمات به گونه ای جای دهد که در ظاهر غیر از نتیجه به نظر آید.

لغت : سقوط دادن شخص به غلطی و نیز اشتباه کاری خود نمود

۱- مغالطه در لغت و اصطلاح؟

اصطلاح : هر روش نادرستی در جریان تفکر

مقاله ~~مقاله~~ امخوان : آلودن هوش
تعماد ، تمیبه شخص بر افراد کردن بر اشتباه خود

۲- انگیزه های مغالطه؟

بالطبع به انحراف در جریان تفکر
که خود نیازی در زمین به خورد و زانی و فریبگی

۳- انگیزه های استفاده از مغالطه؟

مراضع غملا
خود
انسانها
ورزی پیش ذهن
مقابله

۱- بیشتر وقت مراد از مغالطه و جعلیگری از سقوط در آینه

۲- در ایام تکرار دانش مورد از تأثیر بزرگ مغالطه دیگران

۳- جلوگیری از سقوط انسانها - مغالطه

۴- ورزی پیش ذهن در تشخیص تفکر و ...

۵- مقابله با مغالطه آری که هر از راه مغالطه تسلیم نمی شود

۴- مواد و مبادی صناعت مغالطه؟

ره میات و شبهات

۵- تاریخچه مغالطه؟

سوفیست ها - دادگاه ها

۶- شخصیت سوفیست ها تا به کنون و ده های متلاک و روش استدلال آنها سفسطه یا مغالطه بود